



نشریه

گاهنامه فرهنگی، سیاسی و اجتماعی عمّار
سال نهم | شماره سی و دوم | تابستان ۱۴۰۲

عمّار



حوادث پس از عاشورا

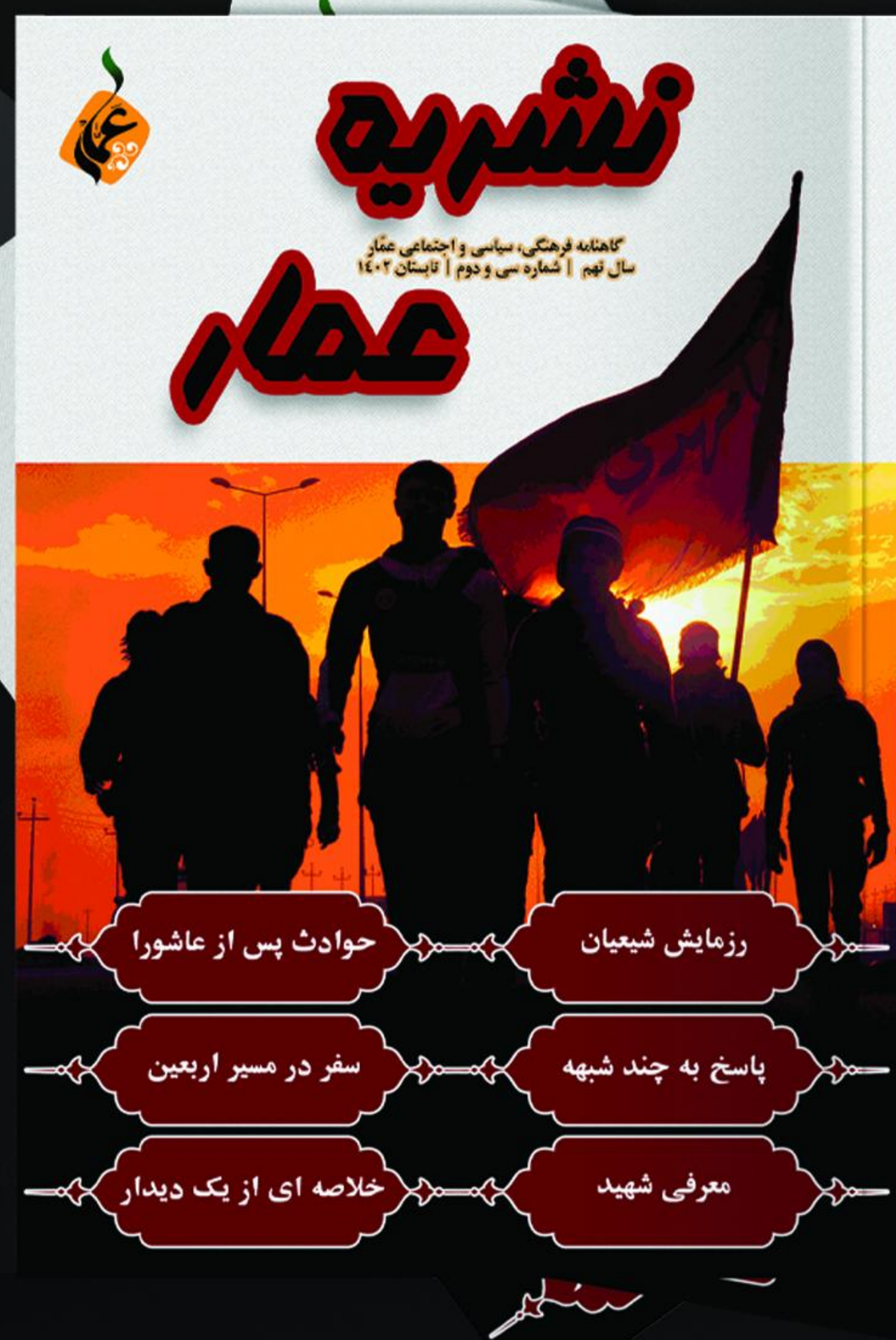
رزمایش شیعیان

سفر در مسیر اربعین

پاسخ به چند شبهه

خلاصه ای از یک دیدار

معرفی شهید



صاحب امتیاز

بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان مرکز شهید آیت نجف آباد

سر دبیر

امیرعلی یاوریان

مدیر مسئول

وحید صف آرا

هیئت طراح

مهدی یزدانی / امیرمحمد عنبری

هیئت تحریریه

اسما نقیبی / مجتبی اکبرمهدی / محمد امین رئیسی / محمد حسین کریمیان / بهنام زمانیان / آرمان تنهایی

راه های ارتباطی «در ایتا»

سر دبیر: @A_A1382

مدیر مسئول: @JAVANHOSEINI



بسیج دانشجویی



دانشگاه فرهنگیان
مرکز آموزش عالی شهید آیت نجف آباد



۵

رزمایش شیعیان

حوادث پس از عاشورا

۷

۹

پاسخ به چند شبهه

سفر در مسیر اربعین

۱۳

۱۷

خلاصه ای از یک دیدار

معرفی شهید

۱۹

به نام خدا

سخن مدیر مسئول

اربعین یک موهبت الهی به شیعیان و ملمانان کل جهان است. اربعین روز میعاد شیعیان و ملمان جهان است. جایی که هر کس حب العین را در دل دارد با قدم خود و یا با دلی شگفته راهی این طریق می شود و همه و همه زیر یک بیرق واحد که حسین بن علی برافراشته است گرد هم می آیند و شعار خود را به جهان صادر خواهند نمود.

ان شاء الله که خداوند متعال روز به روز محبت اب عبد الله و خاندان ایشان را در دل ما روز افزون کند و توفیق کسب معارف حینی را به ما عطا فرماید.

وحید صف آرا



به نام خدا

سخن سردیس

به یاد اربعین دلتها غمین است
دلخون گریه کن چون اربعین است
این فصل از تاریخ را خون نوشت و هر که آن را خواند خون
گریست.
چهل روز و چهل شب از مصیبت داشت نینوا گدشت؛ خون
هفتاد و دو تن و امام مظلوم هنوز بر دشت گریه لاریخ می نماید و داغ
این غم بزرگ هنوز بر دل های اسراست.
این شماره از نشریه عمار تقدیم به دل های عزادار و چشم
های گریان.

امیرعلی یاوریان





رزهایش شهبان

برای زیارت مزار سیدالشهدا و یاران باوفایشان قدم در این راه گذاشتند. سال‌ها بعد، پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تحمیل جنگ علیه کشورمان، رزمندگان ادعا کردند که در جبهه‌های جنگ راه کربلا را باز می‌کنند؛ گرچه تعدادی از آن‌ها راه زمینی نجف تا کربلا را طی نکردند اما در عرش اعلا به ملاقات مقصود خویش رسیدند.

جنگ تحمیلی هشت ساله به اتمام رسید و حزب بعث عراق سرنگون شد. حالا راه کربلا دوباره باز شده بود. جوشش پیاده‌روی اربعین را می‌توان از این دوران دانست. تعدادی از مردم که البته بسیار کمتر از جمعیت امروزی بودند، در آن زمان‌ها مراسم مذهبی پیاده‌روی اربعین را به تقلید از جابر انصاری و به یاد اسرای کربلا زنده نگاه داشتند. تا اینکه گروه تکفیری داعش سر برآورد و راه کربلا را بر زائران عاشقش سد کرد. روزگار سیاه حاکمیت خونخواران که جگر زنان و دختران بسیاری را به خون پدران، برادران، همسر و فرزندان عزیزشان آغشته کرده بود، با جهاد و مبارزه نیروهای عراقی و ایرانی و شیعیان دیگری از هر جای این زمین خاکی، بالاخره نابود شد و سردار بزرگ ما، حاج قاسم سلیمانی پایان این حکمیت را یک روز، رسماً اعلام کرد.

با شیوع بیماری کرونا، مرزها به ناچار درگیر ملاحظاتی شدند و این ملاحظات روی پیاده‌روی اربعین هم تاثیر گذاشت. دو سال بعد که با تزریق جهانی واکسن، بیماری تحت کنترل درآمد، راه دوباره برای همگان باز شد. می‌دانیم که این رسم در طول صدها سال چنین اتفاقاتی را و بیش از این‌ها را پشت سر گذاشته است و امروز از همیشه مستحکم‌تر و پرجمعیت‌تر و بصیرتر، راه زینب کبری(س) توسط شیعیان تکرار می‌شود؛ آنقدر بزرگ که چشم جهان را هربار بیش از پیش به خود مجذوب می‌کند.

اکنون اهداف زائران اربعین از همیشه وسیع‌تر است. راهی که رزمندگان اسلام در جنگ تحمیلی می‌رفتند به سوی کربلا بود و راهی که امروز

اربعین، امروز یکی از بزرگترین مأموریت‌های شیعیان است. شاید تا سال‌های گذشته تصور این بود که پیاده‌روی مسیرهایی تا شهر کربلا در ماه صفر، یک حرکت مذهبی باشد؛ اما امروز یک حرکت سیاسی نیز به شمار می‌رود. یک مأموریت است به خصوص برای جوانان که صدای بلند و گام‌های استواری دارند؛ و قلب‌هایی که مشتاق یافتن حقیقت است.

خب این راه اصلاً چه تاریخچه‌ای دارد؟ می‌دانیم که اسرای کربلا پس از تحمل رنج‌های فراوان و انجام رسالت خویش پس از آن واقعه عظیم، در چهل‌م شهدای عاشورا مسیری را با پاهای پیاده تا زمین کربلا بازگشتند. مدتی بعد، جابر انصاری



طی می‌کنیم راه قدس است. هیچ راهی همچون اربعین حسینی شیعیان تمام جهان را اینگونه به راه نینداخته است؛ جمعیتی بیست میلیونی که ابتدا و انتهای آن مشخص نیست. زمان که می‌گذرد، جوشش خون سیدالشهدا بیشتر درک می‌شود.

اربعین اتحاد کشورهای شیعه را بیش از پیش کرده است. اتحاد ایران با عراق و سوریه و لبنان، راه فلسطین را آزاد خواهد کرد. وعده رهبر معظم انقلاب در باب نابودی اسرائیل در کمتر از چهل دهه آینده، همچنان پابرجاست و سیاست‌های مسلمانان باید در این هدف همسو و سریع باشند. قدس که آزاد شود و اسرائیل بساط ایجاد ناامنی خود را از منطقه جمع کند، یکی از بزرگترین زمینه‌های ظهور موعود فراهم شده است.

به نظر می‌رسد اربعین و اتفاقاتی که در پیاده‌روی آن رخ می‌دهد، تمرین جامعه جهانی مهدی(عج) باشد. در این پویش عظیم، از هر شهر و کشوری دسته‌های خودجوش به راه می‌افتند که از سوی دولت‌ها حمایت نشده‌اند؛ بلکه در قلب‌هایشان شوری احساس شده است و عطشی که چند قطره از سیراب شدنش در راه اربعین حسین(ع) است. در این راه به آن‌ها پست و مقام نمی‌دهند و پولی به دست نمی‌آورند. از زائران بالاتر، خادمان هستند که گاهی تمام دارایی خود را برای زائران می‌بخشند. در نهایت هم شرمنده هستند که نتوانستند بیش از این کاری برای زائران حسین(ع) بکنند. در این راه، مردم از دنیای خودشان می‌زنند و چشم به سوی مقصد، همگام با موعودشان قدم برمی‌دارند. رهایی در جان تک تک این مردم غلیان پیدا کرده و همگی تنها یک مقصد را مقابل چشم‌هایشان می‌بینند که باید تمام دنیای خودشان را در این راه بگذارند تا به آن مقصد واحد برسند.

این دسته‌های زائران و این موبها و این خیمه‌ها و خانه‌ها، تمرین راه‌اندازی و مدیریت ارتش مهدوی را دارند. بدون کمک هیچ دولتی و هیچ قدرتی، جمعیتی بیست میلیونی توسط خود مردم و عاشقان اهل بیت حمایت و هدایت می‌شوند. آن زمان که موعود قیام کند، آیا همین جوانان ارتش او نخواهند بود؟ آیا همین پیرمردها و پیرزن‌ها خادمان ارتش او نخواهند بود؟ و آیا کودکان بدرقه گام‌های آنان نخواهند بود؟

پیاده‌روی اربعین ارثیه ارزشمند زینب کبری(س) است. راهی که او به دنبال برادرش طی کرد و امروز میلیون‌ها نفر، نشانه تحقق آرمان جهانی ماست. اگر ما شیعیان مهدی توانسته‌ایم در این روزها در یک مسیر واحد، با یک هدف واحد و یک عقیده واحد حرکت کنیم، آیا نخواهیم توانست صدایمان را به گوش جهان برسانیم و مشتاقان اندیشه و هدفمان را به سوی خویش جذب کنیم تا ارتش جهانی موعود را فراهم آوریم؟

اربعین به طور قطع صدای شیعه است. صدای شیعه در تاریخ هرگز این‌همه بلند نبوده است.

هر رسانه‌ای که در جهان است، به طور قطع صدای این رزمایش بیست میلیونی را خواهد شنید. و خواهد پرسید که این مردم که هستند و از کجا آمده‌اند و به کدام سو می‌روند؟ رسانه‌ها به طور قطع صدای شیعه را خواهد شنید و آیا آنقدر از بشر و حقوقش حمایت خواهند کرد که چهره واقعی اربعین را در مقابل مخاطبانش بازتاب کنند؟ آیا آنچنان که داعش در جهان به عنوان نماد اسلام معرفی شد و موجی از اسلام‌هراسی را به راه انداخت، اربعین هم از طریق رسانه‌ها به عنوان جلوه‌ای درخشان از دنیای اسلام معرفی خواهد شد؟

اربعین هویت‌بخش است. در جهانی که هر انسانی به طور فطری به دنبال هویتی برای خویش است، و گاهی برای پاسخ به این نیاز راه‌های متفاوت و ناقصی را در پیش می‌گیرد، زائران اربعین خود را عضوی از یک جمعیت بیست میلیونی جهانی می‌دانند که هویتی ناب به آنان می‌بخشد. به قولی از استاد پناهیان، در این هویت جدید کسی تماشاچی واقع نیست. کسی تماشاچی یک بازی فوتبال یا ناظر یک کنسرت نیست؛ بلکه همه در میانه میدان‌اند و چه نقش‌های موثری ایفا می‌کنند! هر کدام از این کهکشان‌ها در حال حرکتند و چون خون حسین(ع) می‌جوشند.

کهکشان‌ها از سراسر جهان آمده‌اند، با رنگ‌ها و آواهای مختلف؛ اما همگی وارثان انبیا هستند. چه کسانی در زمین از شیعیان واقعی علی(ع) مظلوم‌ترند؟ چه کسانی رنج‌های مردم یمن و عراق و سوریه و فلسطین را کشیده‌اند؟ مردمی که در سال‌های اخیر به اسلام و مستقیماً، از طریق مکتب عاشورای حسین(ع) به هویت شیعه رسیده‌اند، چه کسانی رنج آنان را که مانند رنج اصحاب پیامبر(ص) در صدر اسلام است، تجربه کرده‌اند؟

بار تاریخ از شانه‌های پیامبران گذشته و به پیامبر اسلام رسیده؛ پس از آن، تاریخ روی دوش اصحاب علی(ع) سنگینی خود را گذراند و به شیعیان این زمانه رسید. اکنون امانت تاریخ در دست‌های ماست. و گام‌هایی که جهان را به سوی هدف الهی خویش می‌کشاند، در پاهای بی‌قرار ما محبوس مانده است. یا فاطمه الزهرا(س)، ما را در راهی که این چنین عاشقانه در پیش گرفته‌ایم، یاری کن...



حوادث پس از عاشورا

پس از شهادت امام حسین(ع) و یاران باوفایش، اتفاقات زیادی رخ داد که بسیاری از آنها عجیب و غیرطبیعی هستند....

یکی از بزرگترین فجایع بشری در ۱۰ محرم سال ۶۱ هـ ق در سرزمین کربلا توسط امویان به وقوع پیوست هنوز نیم قرنی از رحلت پیامبر اسلام سپری نشده بود که فرزند دختر آن بزرگوار را امت خودش به دستور کسی که جانشین ظاهری آن حضرت بود به شهادت رساندند و فجایع عظیم دیگری از جمله بریدن سر کشته‌ها و غارت اموال و به اسارت گرفتن اهل بیت - علیهم‌السلام - مبادرت ورزیدند.

آتش زدن خیمه‌ها:

سال ۶۱ هـ ق عصر روز دهم محرم لشکر یزید بعد از اینکه امام حسین - علیه‌السلام - را به شهادت رساند به دستور فرماندهان خود دست به غارت و آتش زدن خیمه‌ها و آزار و اذیت خاندان نبوت زدند، آن نامردمان به سوی خیمه‌های حرم امام حسین - علیه‌السلام - روی آوردند و اثاث و البسه و شتران را به یغما بردند و گاه بانویی از آن اهل بیت پاک با آن بی‌شرمان بر سر جامه‌ای در کشمکش بود و عاقبت آن لئیمان جامه را از او می‌ربودند. دختران رسول خدا - صلی الله علیه و آله - و حریم او از خیمه‌ها بیرون آمده و می‌گریستند و در فراق حامیان و عزیزان خود شیون و زاری می‌نمودند.

بعد از این اهل بیت را با سر و پای برهنه و لباس به یغما رفته به اسیری گرفتند و آن بزرگواران به سپاه دشمن می‌گفتند که ما را بر کشته حسین - علیه‌السلام - بگذرانید. چون اهل بیت - علیهم‌السلام - نگاهشان به کشته‌ها افتاد فریاد کشیدند و بر صورت خود زدند. بعد از این قضایا عمر سعد ملعون در میان یارانش فریاد کشید: چه کسی است که اسب بر پشت و سینه حسین - علیه‌السلام - بتازد؟! ده کسی داوطلب شدند و تن حسین - علیه‌السلام - را با سم اسبان لگدکوب کردند.

و همان عصر عاشورا بود که عمر سعد سر مبارک امام حسین را با خولی بن یزید اصبحی و حمید بن مسلم ازدی نزد عبیداله بن زیاد به کوفه فرستاد و سرهای یاران و خاندان او را جمع کرده و هفتاد دو سر را به همراهی شمر بن ذی‌الجوشن و قیس بن اشعث به کوفه فرستاد. سپس کشته‌های خودشان را پیدا کرده دفن نمودند ولی جنازه بی سر و زیر پای اسبان لگدکوب شده امام حسین - علیه‌السلام - و یارانش تا روز دوازدهم محرم عریان در بیابان کربلا بود تا اینکه توسط قبیله بنی‌اسد و به راهنمایی امام سجاد - علیه‌السلام - دفن شدند.

شب یازدهم محرم را گویا اسرای اهل بیت در یک خیمه نیم‌سوخته سپری نمودند در این رابطه در مقاتل چیزی از احوال اهل بیت - علیهم‌السلام - نقل نشده ولی می‌توان تصور کرد که چه شب سختی را بعد از یک روز پر سوز و از دست دادن عزیزان و غارت اموال و اسارت و سوختن خیمه‌ها و اهانت‌ها و... داشته‌اند.



عمر سعد ملعون در روز ۱۱ محرم دستور کوچ از کربلا به سوی کوفه را می‌دهد و زنان و حرم امام حسین - علیه‌السلام - را بر شتران بی‌جهاز سوار کرده و ایشان را چون اسیران کفار در سخت‌ترین مصائب کوچ می‌دهند. در هنگام حرکت از کربلا، عمر سعد دستور داد که اسرا را از قتلگاه عبور دهند. قیس بن قره گوید: هرگز فراموش نمی‌کنم لحظه‌ای را که زینب دختر فاطمه - سلام‌الله علیها - را بر کشته بر خاک افتاده برادرش حسین عبور دادند که از سوز دل می‌نالید...

بعد از اینکه روز یازدهم محرم اسرا را از کربلا حرکت دادند به سوی کوفه، به خاطر نزدیکی این دو به هم روز ۱۲ محرم اسرا وارد شهر کوفه شدند. گویا شب دوازدهم را اسرا در پشت دروازه‌های کوفه و بیرون شهر سپری کرده باشند. در اثر تبلیغات عبیدالله بن زیاد علیه امام حسین - علیه‌السلام - و خارجی معرفی کردن آن حضرت، مردم کوفه از این پیروزی خوشحال می‌شوند و جهت دیدن اسرا به کوچه‌ها و محله‌ها روانه می‌شوند و با دیدن اسرا شادی می‌کنند

در خبرها آمده که ابن زیاد بعد از آنکه یک روز (یا چند روز بنا به روایتی) سرها را در کوچه‌ها و محله‌های کوفه گردانید، آنها را به شام نزد یزید بن معاویه فرستاد و بعد از آن اسرا را به سرپرستی مخضربن تعلبه عاژدی و شمر بن ذی‌الجوشن به شام روانه کرد. او دستور داد که امام سجاد را با غل و زنجیر، سوار بر شتر بی‌جهاز به سوی شام حرکت دهند.

از جمله وقایعی که برای اسرای اهل بیت در شام اتفاق افتاد بنا به گفته برخی منابع وفات دختر سه ساله امام حسین - علیه‌السلام - است. از کامل بهائی نقل شده اهل بیت - علیهم‌السلام - شهادت پدران را از کودکان خردسال پنهان می‌داشتند. و به آنها می‌گفتند که پدر شما سفر کرده، تا اینکه شبی دختری از امام حسین - علیه‌السلام - به نام رقیه از خواب بلند می‌شود و بهانه بابا را می‌گیرد و ضجه و ناله می‌کند و همه اهل خرابه با این کودک همنوا می‌شوند تا اینکه سر امام را در تشتی می‌آورند. خانم رقیه سر را به بالین گرفته و با آن سر درد دل می‌کند: پدر بعد از تو محنت‌ها کشیدم بیابان‌ها و صحراها دویدم...

بعد از مدتی دیدند که سر به یک طرف افتاد و کودک هم طرف دیگر او را حرکت دادند. دیدند که جان به جان آفرین تسلیم کرده.

آسمان خون‌گریه کرد:

هنگامی که حسین بن علی (علیهما‌السلام) شهید شدند، آسمان خون‌بارید و ما همچنان می‌دیدیم که تمام اشیاء و اسباب ما مملو از خون است.

جعفر بن سلیمان، روایت کرده که خاله‌ام، ام سالم، گفت: هنگامی که امام حسین (علیه‌السلام) به شهادت رسید، بارانی همانند خون بر دیوارها و خانه‌ها می‌بارید. و گفت: به من خبر دادند که همین باران خون، در خراسان، شام و کوفه نیز باریده است.

تاریک شدن آسمان:

زمانی که امام حسین (علیه‌السلام) به شهادت رسید، آن قدر آسمان تاریک شد که هنگام ظهر ستاره‌های آسمان ظاهر شدند؛ تا جایی که ستاره جوزا در عصر دیده شده و خاک سرخ از آسمان فرو ریخت.

علی بن مسهر از جده اش نقل می‌کند که می‌گفت: هنگامی که امام حسین به شهادت رسید من دختری نوجوان بودم، آسمان چند شبانه روز درنگ نمود که گویا لخته خون بود.

سرخ شدن آسمان:

علی بن مدرک از پدر بزرگش اسود بن قیس نقل می‌کند که گفت: پهنه آسمان پس از شهادت امام حسین به مدت شش ماه سرخ‌رنگ شده بود که ما آن را شبیه خون در آسمان مشاهده می‌کردیم.

یزید بن ابی زیاد می‌گوید: من چهارده ساله بودم که حسین بن علی به شهادت رسید گیاه ورس در بین لشکر به خاکستر تبدیل شد و پهنه آسمان قرمز رنگ شد شتری را لشکریان ذبح کردند آتش از گوشتش زبانه می‌کشید.





پاسخگویی به شبهات

۱- چرا امام حسین (ع) با یزید، بیعت نکردند؟

مقاومت امام حسین (ع) در بیعت نکردن با یزید منجر به جنگ نابرابری بین آن دو شد. در این میان درباره چرایی بیعت نکردن امام حسین (ع) با یزید، شخصیت فرزند معاویه، ویژگی شیعیان کوفه و سرنوشت الهی بیشتر مطرح شده است. مسئله اصلی پژوهش این است که اگر بیعت نکردن امام حسین (ع) با یزید با روش تاریخی بررسی شود چه عواملی در این تصمیم امام (ع) از اهمیت بیشتری برخوردارند؟ یافته های این پژوهش نشان می دهد که در منابع اولیه امید بستن امام (ع) به کوفیان و یا تن دادن به سرنوشتی محتوم تأثیر چندانی در عدم بیعت نداشته است. شخصیت یزید نیز تنها بخشی از علل عدم بیعت می تواند باشد. در این میان تقابل جریان اموی - علوی و تلاش امویان برای تخریب شخصیت امام علی (ع) و شیعیان از مهمترین عوامل تأثیرگذار در بیعت نکردن امام (ع) با یزید است که کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بر اساس شیوه معمول جامعه اسلامی با مرگ معاویه، انتخاب خلیفه باید به شورای مسلمانان واگذار می شد. در این صورت با توجه به شخصیت امام حسین (ع) و جایگاه اجتماعی و سیاسی ایشان، امکان داشت تا خلافت به خاندان اهل بیت (ع) بازگردد. در حالی که انتخاب یزید به ولیعهدی و تبدیل خلافت به حاکمیت موروثی برای همیشه بازگشت خلافت به خاندان اهل بیت (ع) را غیر ممکن می ساخت.



۲- چرا حضرت زینب (س) فرمودند: من در کربلا جز زیبایی ندیدم؟

برای پاسخ به این سوال باید بدانیم تا چه عینکی بر چشم زده ایم و از کدام زاویه به هستی و حوادث مینگریم. زیبا بینی هستی و حیات، هم آرامش روح و وجدان می بخشد، هم صلابت و پایداری و پایداری می آفریند و هم قدرت تحمل ناگواری ها را می افزاید. از این نگاه، «عاشورا» همانگونه که زینب کبری (س) فرمود، جز «زیبایی» نبود. آنچه زینب قهرمان در مقابل طعنه و طنز دشمن نسبت به این حادثه، بر زبان راند (ما را ایت الایمیل) پیشتر آرزوی حسین بن علی (ع) بود که در طلیعه این سفر، آرزو و اظهار امیدواری کرده بود که آنچه پیش می آید و آنچه اراده خداست، «خیر» برای او و یارانش باشد، چه به صورت «فتح»، چه به شکل «شهادت». جلوه های زیبایی و نمادهای جمال در آینه کربلا بسیار است، که به دو مورد از آن ها اشاره می شود:

الف) تجلی کمال آدم:

این که انسان تا کجا می تواند اوج بگیرد، زلال شود، خدایی گردد، فانی در خدا شود، در «میدان عمل» روشن می شود. کربلا نشان داد که سقف تعالی انسان و آستانه رفعت روحی و تصعید وجودی و ظرفیت کمال جویی و کمال یابی او تا کجاست. پرونده آن حماسه نشان داد «که تا چه حد است مقام آدمیت». این نکته برای جویندگان ارزش ها بسی زیباست.

ب) سم الخط حق و باطل:

از زیبایی های دیگر عاشورا، خط کشی میان حق و باطل و تبیین منطقه حضور و عمل انسان های «دد منش» و «فرشته خو» است.

وقتی خوبی و بدی و حق و باطل به هم در آمیزد، تیرگی باطل، حق را هم غبار آلود و ناپیدا جلوه می دهد. در ظلمت آبادی این چنین، گمراهی اندیشه ها و انسان ها طبیعی است و کفر نقابدار، مسلمانان ساده لوح و سطحی نگر را به شبهه می افکند. زیبایی کار امام حسین (ع) آن بود که مشعلی روشن کرد، تا راه، روشن شود، تیرگی ها بگریزد، چهره ها در آن هوای گرگ و میش فتنه و دروغ، نمایان و باز شناسانده شود، تا فریب و نقاب، بی اثر شود. آیا این زیبا نیست؟

عاشورا یک رسم الخط بود، ترسیم روشن خطی که حق و باطل را جدا کرد و مسلمان ناب را از مسلمان نمای مدعی باز شناساند، پیروان رحمان و جنود شیطان هر کدام در یک سو به عیان دیده شدند. حق، بی پرده و صریح، به نبرد باطل آمد که عیان و بی نقاب به کربلا لشکر کشیده بود و مزدوران بر طبل «یا خیل الله اربکی می کوبید. اگر هم اندک تردیدی در شناخت باقی مانده بود، خطبه های زینب در کوفه و شام، آن را زدود. این نیز از زیبایی های بس قیمتی حادثه خونین عاشورا بود.

۳- چرا امام حسین (ع) علی رغم آگاهی از شهادتشان به سمت کربلا رفت؟

روایت های متعددی حاکی از آن است که پیامبران گذشته، پیامبر اسلام، حضرت علی (علیه السلام) و حتی خود امام حسین (علیه السلام) از واقعه کربلا خبر داشته اند. از این روی در اینکه امام حسین (علیه السلام) خبر داشتند که پایان کار ایشان با شهادت خواهد بود تردیدی نیست. با این حال، امام حسین (علیه السلام) در ماجرای کربلا بر اساس علم طبیعی خویش حرکت کردند، با یزید بیعت نکردند، به مکه رفتند، بر طبق احتمالی که در مورد ترورشان در موسم حج می دادند روز هشتم ذی الحجه از مکه خارج شدند و با توجه به دعوت کوفیان به سمت کوفه و نه کربلا حرکت کردند، اما روند حوادث به گونه ای شد که ایشان را به کربلا کشاند.

بر این اساس روند حرکت امام از مدینه تا کربلا، صرفا بر اساس علم غیب نبوده و قابل محاسبه منطقی و عقلانی بوده است که توجه به آن اصل شبهه را از بین می برد. با این حال حتی اگر امام حسین (علیه السلام)



بر اساس علم غیب و آگاهی به شهادت، به کربلا رفته باشد باز هم عمل ایشان انداختن جان خود در هلاکت نمی باشد زیرا:

«القاء جان در هلاکت» در آیه ۱۹۵ سوره بقره شامل کسانی که با ایثار و فداکاری در راه اسلام به شهادت می رسند نمی باشد، چون در این دنیا اهداف مقدسی وجود دارد که جان انسانها در برابر آن ارزشی ندارد همچون دین و حتی کسانی که اینگونه مسیر شهادت را بر می گزینند بر طبق آیات قرآنی دارای اجر عظیمی نزد پروردگار هستند.

هلاکت، مرگ بدون دلیلی است که باعث می شود تا انسان هم در این دنیا و هم جهان آخرت متضرر شود و مورد نکوهش همگان نیز قرار می گیرد ولی شهادت سرمایه ای است که طی آن اگر چه حیات زودگذر دنیوی را از دست می دهد اما هم حیات جاوید آخرت را می خرد و هم در دنیا به الگو و سرمشق برای انسانها تبدیل می شود.

از جهت بعد توحیدی، تمام جهان هستی ملک پروردگار است و تمام دستورات او مصلحتی دارند و از این روی اگر پروردگار متعال به فردی اذن شهادت داده باشد، عمل به این دستور و اذن، نه تنها هلاکت نیست بلکه حیات جاوید و مطابق با امر پروردگار است.

۴- آیا به راستی امام حسین (ع) برای امر به معروف و نهی از منکر قیام نمود؟

با آن که به حسب ظاهر عواملی چون امتناع امام حسین (علیه السلام) از بیعت با یزید و یا پاسخ به دعوت کوفیان، در تحقق این قیام خونین بی تأثیر نبود، ولی در عین حال در کلمات امام (علیه السلام)، به طور مکرر از اصلاح امت و دو فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یکی از انگیزه های اساسی این نهضت بزرگ یاد شده است.

به راستی امام حسین (علیه السلام) را باید قهرمان این میدان دانست. آن حضرت علاوه بر امر به معروف قلبی و زبانی، عمل به آن را نیز به منتهای اوج خود رساند و بالاترین مرحله عملی آن را انجام داد، و با شجاعتی وصف ناپذیر به همگان اعلام کرد: «أَيُّهَا النَّاسُ! فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ يَصْبِرُ عَلَى حَدِّ السَّيْفِ، وَ طَعْنِ الْأَسِنَّةِ، فَلْيَقُمْ مَعَنَا وَ إِلَّا فَلْيَنْصَرَفْ عَنَّا»؛ (ای مردم! هر کس از شما در برابر تیزی شمشیر و زخم نیزه ها شکیبا است، با ما بماند و الا از ما جدا شود!!).

مطابق روایات، قیام با شمشیر (در جای خود) عالی ترین و پرفضیلت ترین مرحله از مراحل امر به معروف و نهی از منکر است که امام حسین (علیه السلام) به آن اقدام کرد.

امیرمؤمنان پس از بیان مراحل سه گانه امر به معروف و نهی از منکر (قلبی، زبانی و عملی)، فرمود: «وَأَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ كَلِمَةٌ عِنْدَ إِمَامٍ جَائِرٍ»؛ (اما از همه مهم تر سخن به حقی است که در برابر پیشوای ستمگری گفته شود).

امام حسین (علیه السلام) نه تنها با سخنانش به افشای جنایات بنی امیه پرداخت که با شمشیر بر ضد آنان به مبارزه برخاست و تا پای جان ایستادگی کرد و این حرکت خویش را «امر به معروف و نهی از منکر و اصلاح امور جامعه» نامید و در بیان و سخنان خویش، به طور مکرر از این فریضه بزرگ یاد کرد، و با صراحت، یکی از انگیزه های حرکتش را احیای همین امر مهم شمرد.



يا ابا عبد الله الحبيب المظالم





سفر در مسیر

ایران



اربعین
خیمه جهان
اباعبداللہ



اربعین





مرز های مشترک ایران و عراق کدام هستند؟

۳. مهران شهری در استان ایلام است. این شهر در فاصله ۸۵ کیلومتری جنوب غربی شهر ایلام واقع شده است.
- مرز مهران یکی از پرترددترین مرزهای رسمی ایران است که نزدیکی آن به شهرهای مذهبی عراق این مرز را به یکی از مهم ترین مرزهای پر رفت و آمد زائران و صدور کالا به کشور عراق تبدیل کرده است.
- مهران تا نجف ۳۰۳ کیلومتر و تا کربلا ۲۷۹ کیلومتر است.
۴. مرز خسروی در شهرستان قصرشیرین در استان کرمانشاه قرار دارد. این مرز شمالی ترین و قدیمی ترین مرز اعزام زائران به عراق می باشد، به همین دلیل دارای امکانات بیشتری نسبت به سایر پایانه های مرزی عراق است.
- خسروی تا نجف ۳۸۰ کیلومتر و تا کربلا ۳۱۵ کیلومتر است.
۵. باشماق یکی از روستاهای شهرستان مریوان در استان کردستان ایران است.
- باشماق تا نجف ۶۲۰ کیلومتر و تا کربلا ۴۸۳ کیلومتر است.
۶. پایانه تجاری مرزی تمرچین در پیرانشهر استان آذربایجان غربی به عنوان یکی از ظرفیت های ترانزیتی غرب کشور برای اتصال به کشورهای همسایه محسوب می شود.
- تمرچین تا نجف ۷۳۸ کیلومتر و تا کربلا ۶۰۰ کیلومتر است.
- با توجه به موارد فوق، نزدیک ترین مسیر زمینی برای پیاده روی نجف تا کربلا، به ترتیب مرز مهران، خسروی و چزابه است.

- حدود ۱۴۵۸ کیلومتر خط مرزی بین کشور ایران و عراق وجود دارد. ایران در بین همسایگانش، طولانی ترین مرز را با کشور عراق دارد. استان های خوزستان، ایلام، کرمانشاه، کردستان و آذربایجان غربی بخشی از این مرز را در بر می گیرند.
- امسال زائران می توانند به جای حضور در ازدحام جمعیت مرز شلمچه و مهران در ایام اربعین، از مسیر دریایی و با کشتی عازم عراق شوند.
- ایران و عراق دارای چندین پایانه مرزی هستند: شلمچه، چزابه، مهران، خسروی، باشماق، تمرچین
۱. شلمچه یکی از منطقه های مرزی در غرب خرمشهر و یکی از مرزهای میان ایران و عراق می باشد. این مرز نزدیکترین نقطه مرزی به شهر بصره در کشور عراق می باشد. شلمچه از نظر موقعیت مکانی جنوبی ترین مرز زمینی ایران و عراق محسوب می شود.
 - فاصله شلمچه تا نجف تقریباً ۴۶۰ کیلومتر و تا کربلا ۶۵۰ کیلومتر است.
 ۲. چزابه در ۱۷ کیلومتری شمال غربی شهر بستان و در ۱۱۰ کیلومتری شمال غرب اهواز واقع شده است.
 - فاصله پایانه مرزی چزابه تا شهر نجف ۳۸۲ کیلومتر و تا شهر کربلا ۴۶۰ کیلومتر است.



وسایل مورد نیاز برای سفر اربعین چیست؟

سفر اربعین و شرکت در مراسم پیاده روی یک مراسم و یک سفر کاملاً متفاوت با سفرهای دیگری است که تاکنون داشته اید. لذا مایحتاج شما برای این سفر نیز تا حدود زیادی تفاوت هایی دارد.

۱. کفش جز یکی از مهم ترین وسایل مورد نیاز شما در پیاده روی اربعین محسوب می شود، اگر کفش مناسبی نداشته باشید باعث تاول پا می شود.

از کتونی مناسب و تا حد امکان طبی استفاده کنید. همچنین می توانید یک جفت دمپایی راحت همراهتان داشته باشید که در حرم از آنها استفاده کنید.

۲. در مسیر پیاده روی نجف تا کربلا به دلیل طولانی بودن مسیر، امکان بوجود آمدن مشکلات سخت افزاری و یا گم شدن گوشی موبایلتان وجود دارد، پس حواستان به گوشی موبایلتان باشد.

۳. بهتر است برای سفر سیم کارت عراقی بگیرید، با توجه به اینکه امسال، کشور عراق سیمکارت رایگان به همراه اینترنت رایگان به مدت یک هفته می دهد.

همچنین ایرپاد، هندزفری و پاوربانک نیز به همراه داشته باشید.

۴. حتماً یک کوله پشتی مناسب و با بندهای پهن تهیه کنید که به ستون فقرات شما آسیبی وارد نکند.

سعی کنید که نخ و سوزن به همراه داشته باشید که اگر برای بند کوله پشتی تان اتفاقی افتاد، بتوانید در سریع ترین زمان ممکن برطرف کنید.

۵. پارچه نخی روشن مانند چفیه برای پوشاندن سر و صورت در برابر آفتاب به خصوص برای آقایان برای محافظت از سر و گردن (به عنوان خشک کن، کلاه، ماسک گرد و خاک و...) تهیه کنید.

خانم ها بهتر است از چادرهایی استفاده کنند که امکان حمل کوله پشتی را داشته باشند.

۶. تنقلات خشک، مقوی و کم وزن مانند: کشمش، انجیر خشک، توت خشک، خرما، پسته، آلو خشک، خرما خشک، آب نبات، انجیر، مغز بادام همراه خود بیاورید.

لیمو ترش و عرق کاسنی و خاکشیر برای جلوگیری از گرما زدگی بسیار مفید هستند.

۷. داروهای ضروری و روزانه (قرص استامینوفن، داروی سرماخوردگی، اسهال، استفراغ و معده مثل رانیتدین، باز کننده عضلات، قرص های تقویتی و مولتی ویتامین) حتماً به همراه داشته باشید.

۸. کرم ضد خارش، پماد برای سوختگی، عرق سوز شدن و تاول (مثل کالاندولا یا زینک اکساید یا پودر بچه یا ویتامین آد) به همراه داشته باشید.

۹. لوازم بهداشتی مانند مسواک، خمیردندان، حوله دستی، دستمال کاغذی، اسپری ضد عفونی، مرطوب کننده، ضد آفتاب، کلاه آفتاب گیر، چسب زخم، ماسک و عینک آفتابی و... را هم فراموش نکنید.

۱۰. یک کاسه و بشقاب و قاشق، چنگال و لیوان به همراه خود داشته باشید. همراه داشتن این موارد باعث جلوگیری از تولید ظروف پلاستیکی میشود.

۱۱. دینار عراقی و پول ایرانی همراه خود داشته باشید.

پیاده روی اربعین یک کنج بزرگ معنوی و فرهنگی است که در آن کلی نکات تربیتی، اخلاقی و فرهنگی زیاده هفته است.

اربعین یک کلاس درس است که در هر دقیقه آن، ما می توانیم یک نکته ای یاد بگیریم و به کوله بار دانش خودمان اضافه کنیم.

شیوه اخذ پاسپورت (گذرنامه) چگونه است؟

برای پیاده روی اربعین می توان یکی از این دو نوع پاسپورت را اخذ کرد:

۱. پاسپورت (گذرنامه) عادی یا توریستی: این پاسپورت که برای تحصیل - گردش و زیارت استفاده می شود به مدت پنج سال اعتبار دارد، که اگر زمان داشته باشد، شما به راحتی می توانید به هر کشوری از جمله عراق سفر کنید ولی اگر تاریخش گذشته باشد یا اصلاً تا به حال برای گرفتن این نوع پاسپورت اقدام نکرده اید، می توانید به مراکز پلیس +۱۰ مراجعه کنید و فرایند گرفتن پاسپورتتان را انجام دهید. مدت زمان ارسال پاسپورت عمدتاً ۲۰ روزه است و هزینه گذرنامه عادی، ۵۰۰ هزار تومان می باشد.

۲. پاسپورت (گذرنامه) زیارتی: این پاسپورت هم به مدت پنج سال اعتبار دارد، که فقط برای سفر به کشور عراق و فقط در ماه های محرم و صفر امکان دریافت آن وجود دارد. برای گرفتن گذرنامه زیارتی می توانید از طریق اپلیکیشن پلیس من و یا سایت سخا ثبت نام کنید و گذرنامه خود را پنج روزه دریافت کنید و یا همچنین می توانید به اداره گذرنامه شهرتان و یا مراکز پلیس +۱۰ مراجعه کنید. هزینه گذرنامه زیارتی ۵۰ هزار تومان می باشد.

نکات مهم:

۱. حتماً قبل از اقدام برای گرفتن گذرنامه، در سامانه سخا ثبت نام کنید و فرایند احراز هویت خود را انجام دهید.

۲. برای دریافت ارز دولتی ویژه اربعین و استفاده از دیگر خدماتی که دولت ارائه می دهد، در سامانه سماح ثبت نام کنید.



خلاصه ای از یک دیدگاه



بهنام زمانیان

آموزش ابتدایی

به گزارش بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان شهید آیت نجف آباد در تاریخ ۱۶/۵/۱۴۰۲ نشستی با شرکت فعالان دانشجویی و اعضای شورای پایگاه این مرکز و با حضور سجاد صدیقی مشاور وزیر و ریاست محترم بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان کل کشور برگزار شد که طی این جلسه نکات مفیدی مطرح شد که به نکات اصلی این جلسه می پردازیم:

ایشان سخنان خودشان را با بیان با ارزش بودن و قداست داشتن کار در بسیج دانشجویی را آغاز کرده و فعالیت در این حوزه را ایستادگی بر ارزش ها و باورهای هر دانشجو معلم بسیجی دانستند و افزودند: همین ممارست موجب این شده است که به نسبت به اتفاقات مهم کشور و محیط پیرامون خود تعیین تکلیف و احساس مسئولیت کرده و بر همین اتفاقات مهم، کار و تلاش بسیار انجام بشود و مصداق این سخنان کار در نظام تعلیم و تربیت است که بسیار سخت و مشقت آور است و زمانی که به عالم سیاست گره بخورد کار سخت تر هم می شود که متأسفانه ما در نظام تعلیم و تربیت با تمام توان خود وارد نشده ایم و چه خواهیم یا نخواهیم به اصطلاح کم گذاشته ایم....!

برای مثال سند تحول بنیادین است! که سال های بسیاری است این سند به تصویب رسیده ولی هیچگونه کاری انجام نشده است که به تعبیر مقام معظم رهبری سند تحول بنیادین باید گفتمان قالب مسئولین و جامعه ایران بشود.

نکته دوم سخنان دکتر سجاد صدیقی رنگ و بوی ولایت داشت... ایشان تاکید بسیار زیادی بر گوش به فرمان بودن از ولی امر مسلمین یعنی رهبر معظم انقلاب امام خامنه ای را داشتند و افزودند که در وصیت نامه های شهدا پیوستگی آنها و ولایت فقیه بیان شده پس یعنی شهادت و رستگاری آنها به ولایت پیوند خورده و اگر کسی ادعای انقلابی بودن دارد باید تمام توان خود را در جهت ضرورت های امام جامعه بگذارد و آنها را در اولویت خود قرار بدهد و این را افزودند که اگر کسی خود را دیندار و دین را مسئله خود می داند باید این را درک کند که مسئله ولایت در دین مسئله است و این همان از خود گذشتگی کردن برای اسلام و انقلاب است.

در پایان این جلسه ایشان با ذکر پیشنهاداتی به اعضای بسیج دانشجویی مرکز شهید آیت مبنی بر انجام کار های بزرگ و نترسیدن در این راه تاکید بسیار داشتند تا به حول قوه الهی به تمامی اهداف در نظام نوین اسلامی رسیده و بانی تحول در نظام آموزش و پرورش کشور باشیم.





آرمان تنهایی

آموزش ابتدایی



معرفی شهسید

همه محمد بودند



زندگینامه شهید محمد نوروزی از شهر ورزنه دانشجوی شهید محمد نوروزی در تاریخ ۱/آبان/۱۳۴۳ در شهر ورزنه پا به عرصه وجود نهاد. خانواده او مجبور بودند برای تامین معیشت زندگی خود در یک قلعه چند خانوار نشین با تحمل مشکلات فراوان و دوری از هر گونه امکانات اولیه رفاهی زندگی کنند. شهید نوروزی در یک خانواده مستضعف و کشاورز پرورش یافت. همین عدم امکانات و شرایط سخت زندگی باعث شد از همان آغاز کودکی به بیماریهای سختی مبتلا شود. با وجود این شرایط چند سال اول تحصیلات ابتدائی را در ورزنه گذراند و چند سالی نیز به دلایلی در شهر مقدس قم ادامه تحصیل داد. پس از بازگشت از شهر قم به ورزنه، کلاس دوم و سوم راهنمایی را به اتمام رساند و چون در ورزنه امکان ادامه تحصیل در رشته مورد نظرش نبود در دبیرستان شهرهرند ثبت نام نمود و پس از دو سال تحصیل در شهرهرند به شهر نایین عزیمت نمود.

با وجود شرایط سخت زندگی و انبوه مشکلات و دوری از خانواده، خللی در ادامه تحصیلش ایجاد نشد. پس از گرفتن مدرک دیپلم در کنکور سراسری شرکت کرد و در دانشگاه تربیت معلم رشته آموزش ابتدائی قبول شد. سال تحصیلی ۱۳۶۳-۱۳۶۴ وارد مرکز تربیت معلم شهید باهنر اصفهان شد. شهید، علاقه خاصی به تحصیل و کسب علم داشت. علم و دانش را در دانشگاه کسب میکرد و علم عشق و عرفان و وصال به حق را در دانشگاه جبهه. در طی دو سالی که در دانشگاه بود به خاطر شهادت دوستان و همکلاسی هایش، انقلابی در وی پدید آمد و چهار بار به جبهه اعزام شد. ایشان در عملیات های مختلف در مسئولیت های متعددی انجام وظیفه نمود و سرانجام در تاریخ ۴/اسفند/۱۳۶۴ در جبهه های حق علیه باطل در عملیات فاو توسط دشمن بعثی باصابت ترکش به سینه به فیض شهادت نائل آمد. پیکر پاک این شهید بزرگوار در گلزار شهدای زادگاهش شهر ورزنه در کنار دیگر همزمانش خاکسپاری شد.



بخش از وصیتنامه شهید

شاید که استوانه این جسم خاکی و زنجیرهای همیشه بسته اسارت را با آتش دل سوخته خویش ذوب کند و قدم بر عرش بی منتهای خداوند نهد. شاید که زبان ما در برابر ایزد پروردگار همه چیز بینا لب به سخن بگشاید و نیاز خود را به کسی که همه چیز برای او آشکار است بیان کند و خاضعانه از او استعانت لقای او را طلبد و از دیده خود اشک شوق دیدار معبود را در صبح ظفر به روی گونه های خود غلطان کند و اکنون به انتظار آن همه شکوه و جلال و عظمت قدم نهاده ام که غرش گلوله های آتشین بر سرمان است و بلبل نغمه سرای این گلزار را چهچهه مسلسلها تشکیل میدهند و چنان حجله دامادی را برای جوانان ما آذین بسته اند که دست پر قدرت حق در انتظار ربودن آنان است و اکنون اگر پذیرای حق باشیم در جوار او به سر می بریم.

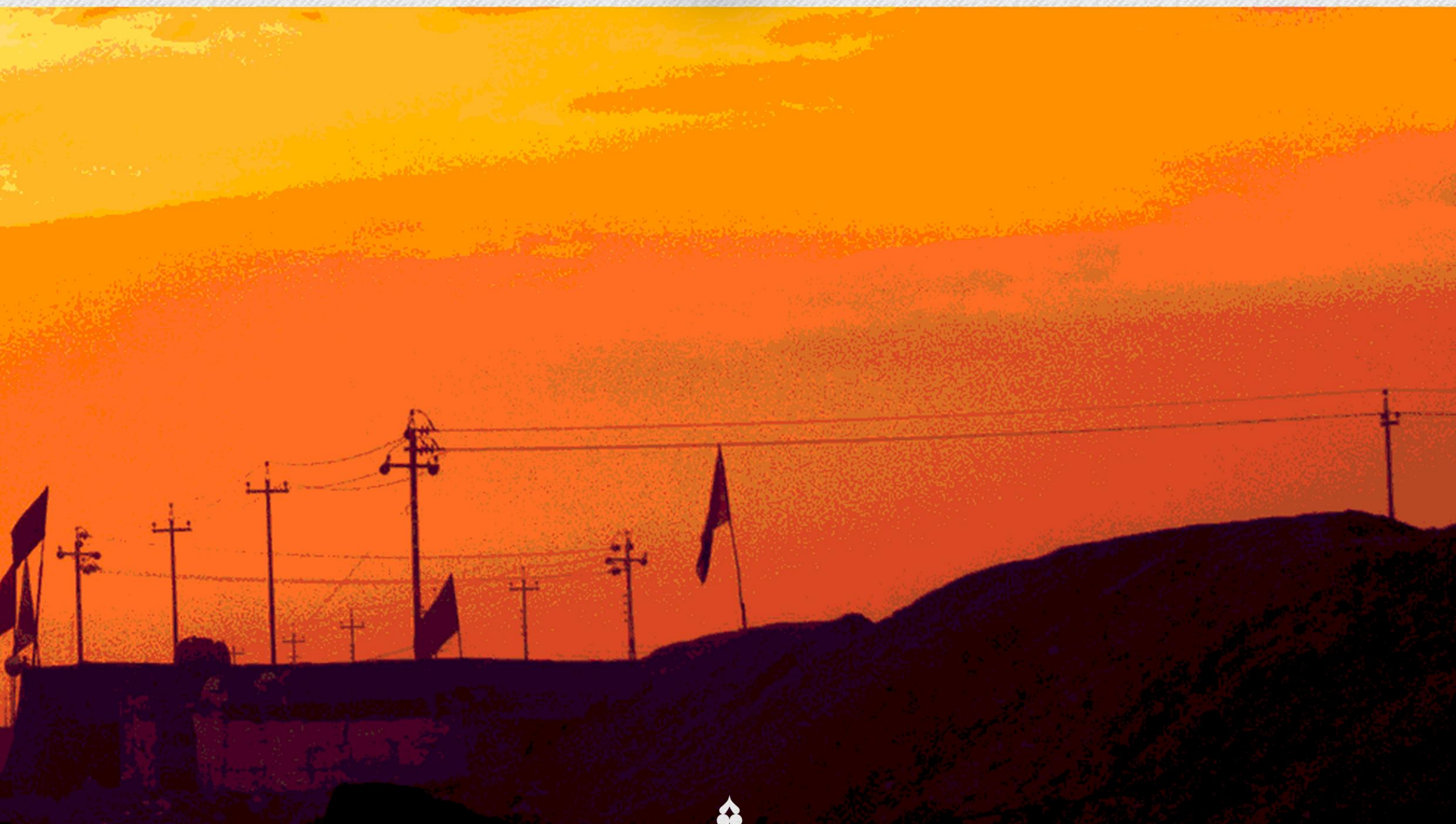
خانواده شهدا، شهید کالایی است که تنها خریدار آن خداوند می باشد و شهدا در درگاه خداوند روزی می خورند بنا بر این از این فرزند کوچک انقلاب این سخن حقیر را بشنوید و بخاطر نسبت با شهید سوء استفاده های اجتماعی نکنید. شهدا را به کالای مادی نفروشید. اگر این کارها را بکنید فرزندان خود را با بیهودگی از دست داده اید و فقط بهره شما از شهیدایتان همان کالا می باشد.

ای ملت رشید و ای قهرمانان عرصه پیکار، برای بقای اسلام و داشتن آزادی بدون تمام وسایل رفاهی می توان به زندگی چند روزه دنیا خاتمه داد. اما بدون توشه و کوله باز آخرت چگونه می خواهید در محضر خداوند جوابگوی آن همه اعمال خود باشید پس کاری نکنید که شفاعت شهیدایتان را به زر و زیور دنیوی بفروشید.

خدایا به بدن پاره پاره حسینت و سر جدا شده سخن گوی او، خدایا به دستان جدا شده سقای کربلا و به قلب شکسته زینب کبری، رزمندگان اسلام، این زاهدان شب و شیران روز را برای فتح آخرین آرمان که همان قدس عزیز می باشد آماده بفرما.



باران حسود را سر در غلوع عالم



سایت بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان مرکز شهید آیت
Ayatbso.ir